

## امنیت اجتماعی و حضور مسافران در سواحل مازندران

\* سیدحسین حسینی

\*\* دکتر زین‌العابدین رحمانی

کد مقاله: ۸۸۱۰۱۴۰۲

### چکیده

امروزه توسعه‌ی جهانگردی در کشورهای مختلف چه به لحاظ اقتصادی و چه از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه تقریباً همه‌ی کشورهای عالم قرار گرفته است. اگر بخواهیم صنعت گردشگری برای منطقه منبع درآمد خوبی باشد، باید ارگان‌های مختلف حمایت لازم را جهت توسعه‌ی صنعت گردشگری به عمل آورند و برای امنیت گردشگران و آسیب‌های اجتماعی در سطح استان اهمیت زیادی قائل شوند. امنیت به مسائل کلیدی از صنعت گردشگری تبدیل شده است و مدیریت معقول باید تلاش کند تا محیط امنی فراهم آورد، چون مناطق گردشگری معمولاً شلوغ و پرازدحام هستند. باید به گردشگران اطلاعات لازم را ارائه داد و آن‌ها را راهنمایی کرد و مورد حمایت قرار داد. برای آنها باید پلیس گردشگری در نظر گرفت. که وظیفه‌ی آنان فقط حمایت از گردشگران و فراهم آوردن امنیت آنها می‌باشد. نگارنده سعی نموده است در قالب تئوری‌ها و نظریه‌های اجتماعی اشاره‌ای به بحث پیامدهای منفی گردشگری از جوانب فرهنگی و اجتماعی همچون مشکلات اقتصادی، خودنمایی، تداخل فرهنگی، تغییر در الگوی مصرف بپردازند. روش مطالعه و تحقیق با توجه به نوع موضوع استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد و گزارش‌های آماری همراه با توصیف و تحلیل می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** امنیت اجتماعی، مناطق گردشگری، حضور مسافران.

---

\* دانشجوی دکتری مدیریت توریسم، مدرس دانشگاه و عضو جهاد دانشگاهی واحد مازندران.

E-mail: mazandaran\_tourism@yahoo.com

\*\* استادیار، مدیر گروه مدیریت دانشگاه پیام نور مرکز ساری.

**مقدمه و بیان مسأله**

امروزه تولید اتومبیل، ایجاد و گسترش راه آهن، تسهیلات پروازی و بازنگاری قوانین کار و افزایش اوقات فراغت همگی دست به دست هم داده تا صنعتی نوپا به نام گردشگری را شکل دهند. نقش و تأثیر صنعت جهانگردی بر یک کشور چنان است که اکثریت کشورهای توسعه یافته با وجود داشتن منابع کلان اقتصادی و درآمد، ترجیح می‌دهند بر روی صنعت توریسم متمرکز شوند. حضور مستقیم بازدیدکنندگان و گردشگران در یک کشور علاوه بر توسعه اقتصادی و تبادلات فرهنگی، آن کشور را به عنوان یک قطب گردشگری به جهانیان معرفی می‌کند و در این میان امنیت در معنای گسترده یکی از مهمترین مسائلی است که در میزان تقاضای گردشگران برای سفر به هر کشور تأثیرگذار است. به اعتقاد کارشناسان، میان گردشگری و ثبات و توسعه امنیت، رابطه‌ی تعریف شده وجود دارد چرا که توسعه‌ی زیر ساخت‌های گردشگری، همکاری دستگاه‌های فرهنگی، تبلیغات مناسب و مشارکت گسترده سازمان‌های مختلف همزمان با توسعه‌ی گردشگری، توسعه‌ی امنیت ملی را نیز به همراه خواهد داشت. به این ترتیب امنیت داخلی و ملی شاخص‌ترین عامل گسترش گردشگری در هر کشوری است که می‌خواهد خود را با مشخصات کشورهای پیشرو در امر توریسم تطبیق دهد. در واقع امنیت و گردشگری دو مقوله‌ی وابسته به یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ در مناسبات داخلی و خارجی می‌باشد. امنیت و گردشگری در تعامل دوجانبه هم می‌تواند تأثیر افزایشی بر هم داشته باشد و هم تأثیر کاهشی. به این معنا که افزایش (یا کاهش) امنیت، باعث رونق (یا رکود) گردشگری خواهد شد و بالعکس، بنابراین گردشگری ارتباط مستقیم با مقوله‌ی امنیت است.

مازندران از دیر باز مورد توجه گردشگران داخلی و خارجی بوده است، و طی سالیان اخیر نیز هر ساله پذیرای گردشگران زیادی می‌باشد. این استان با مساحت حدود ۲۳۷۵۶ کیلومتر مربع، ۱/۵ درصد از وسعت کشور را به خود اختصاص داده و با ۳۳۸ کیلومتر نوار ساحلی است و بر اساس آمار ۱۳۸۱ حدود ۹۰ درصد از گردشگران با انگیزه‌ی گذران اوقات فراغت و ۷۸ درصد از آنها برای استفاده از دریا به این استان سفر کرده‌اند. طرح مسأله‌ی این مقاله از آنجا ناشی می‌شود که متأسفانه ۲/۹ درصد یعنی ۱۰ کیلومتر از نوار ساحلی فقط با ساخت و ساز عمومی توسط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به

خود اختصاص داده است و مابقی را بخش‌های دولتی و خصوصی و شهرک‌ها و غیره اشغال نموده است که همین امر باعث تمرکز شدید در نوار ساحلی و از طرفی شلوغی ناامنی و نارضایتی گردشگران را در استان به همراه دارد (حسینی، ۱۸۵). از سوی دیگر علی‌رغم استقبال فراوان گردشگران از استان مازندران، به سبب نداشتن الگوهای برنامه‌ریزی مناسب، مقوله گردشگری با موانع و چالش‌های فراوانی در زمینه‌های مختلف مواجه می‌باشد که بعضاً موجب ناپایداری شهرها و روستاهای استان گردیده است. در این مقاله رابطه‌ی گردشگری و امنیت که در مناطق مختلف از جمله استان مازندران، نقش مستقیم و غیرمستقیم در توسعه این صنعت دارد، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

#### **اهمیت و ضرورت پژوهش**

در توسعه‌ی گردشگری عوامل متعددی تأثیرگذار است که امنیت در تمام نقاط از جمله استان مازندران شاخص‌ترین آنها بوده است و می‌تواند در قالب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تجلی پیدا کند. یکی از موانع و چالش‌های فراروی حضور مسافر در جاذبه‌های طبیعی استان، تبعات امنیتی و اجتماعی این حضور در سواحل مازندران، تمرکز مکانی آنها و تک محصولی شدن مقصد به لحاظ عرصه گردشگری است. تبعات منفی ناشی از این الگو، نارضایتی گردشگران و به تبع آن عدم پایداری و تداوم رونق گردشگری در مقصد از جمله دلایلی است که انجام این تحقیق را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. با توجه به اینکه تاکنون مطالعات جامعی درخصوص راهکارهای مدیریتی برون رفت از این مشکل صورت نگرفته و محدود مطالعات صورت گرفته نیز هم به لحاظ متدولوژی تحقیق و هم به لحاظ مبانی تئوریک آن ضعیف بوده است لذا تحقیق حاضر ضرورت بیشتری می‌یابد. شایان ذکر است هدف این تحقیق آن است تا دست‌اندرکاران این صنعت و تیم‌های مدیریت مسؤلیت اجتماعی خود را بشناسند. توجه دقیق به اجرای قوانین مناسب، اطلاع‌رسانی به مردم، هماهنگی سازمان‌ها و تبلیغات صحیح و امنیت جهانگردان عواملی است که در زمینه‌ی رونق بخشیدن به این صنعت اهمیت زیادی دارد.

### نوع پژوهش

این پژوهش یک پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع مطالعه موردی می‌باشد که در آن با توجه به اطلاعات موجود، رابطه‌ی امنیت اجتماعی و حضور مسافران در سواحل مازندران مورد بررسی قرار گرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از دو روش اسنادی (جمع‌آوری اطلاعات در بخش نظری از کتب و مقالات علمی) و میدانی (جمع‌آوری اطلاعات در بخش عملی از روش مشاهده مستقیم) استفاده شده است.

### دیدگاه‌ها و مفاهیم نظری

#### تعریف توریسم

سازمان جهانی توریسم (WTO) توریسم را این گونه تعریف کرده است: فعالیت‌های افرادی که به منظور گذران ایام فراغت انجام کار و سایر هدف‌ها در مدت کمتر از یکسال به مکان‌هایی خارج از محیط عادی خود می‌روند شامل می‌شود. به این ترتیب محدوده‌ی توریسم از فواصلی که صرفاً برای گذراندن تعطیلات و دیدار چند روزه از دوستان و آشنایان و بازدید از مناطق جذاب و غیره است، بسی فراتر می‌رود. توریسم در معنای وسیع آن، علاوه بر گروه‌های پیش گفته شامل افرادی نیز می‌شود که ارتباط با کار و حرفه و فعالیت‌های علمی و تحقیقی خود سفر می‌کنند به این ترتیب دامنه‌ی تأثیرگذاری توریسم بر محیط و تأثیرپذیری آن از محیط بسیار وسیع‌تر می‌شود. به گردشگری اغلب اصطلاح صنعت اطلاق می‌گردد و با اشاراتی در مورد صنعت گردشگری، تقاضاهای توریستی، منابع گردشگری، تولید و بازار، تسهیلات و خدمات گردشگری برخورد می‌شود. گردشگری صنعتی وابسته به منابع است. از این بابت گردشگری با ماهی‌گیری (شیلات) و جنگل‌داری مقایسه شده است. منابع را می‌توان به شکل زیر شناسایی کرد:

الف) تسهیلات، شامل انتقال، زیرساختار، فراساختار (تأمین جا، تهیه‌ی سورت‌ها و خدمات جنبی یعنی پیست‌های اسکی، محل‌های گردشگری) خدمات حمل و نقل اهمیت حیاتی دارد از این روی که تحرک موضوع بسیار مهمی است که دسترسی به ناحیه‌ی مقصد و جاذبه‌های گردشگری مقصد را امکان‌پذیر می‌سازد.

ب) جاذبه‌ها: این جاذبه‌ها را باید به شکل زیر تقسیم‌بندی کرد:

- \* منابع طبیعی (مناظر خاص مانند لیک دیستریکت، کوه‌های آلپ در سوئیس، آبشار نیاگارا، وضعیت‌های ویژه آب و هوایی شامل آفتاب، دریا و ساحل شنی)
  - \* منابع دست‌ساز بشر (رویدادهایی چون مسابقات المپیک، جام جهانی، مسابقات بین‌المللی فوتبال)
  - \* فرصت‌های تفریحی، جاذبه‌های تاریخی، باستان‌شناختی (استوان هنج، یورک مینستر، شهرهای تاریخی)
  - \* منابع فرهنگی مانند صنایع دستی، سنت‌های گفتمانی (زبانی)، غذاهای ویژه و سنتی، هنر و موسیقی (مشمول بر کنسرت، نقاشی و مجسمه سازی)
- مدیریت توریسم<sup>۱</sup>:

کلیه‌ی فعالیت‌های مدیریتی که در محیط توریستی، گردشگری و جهانگردی، اتفاق می‌افتد، عبارت است از: سازماندهی آینده برای تأمین هدف‌های مشخص. باید اذعان داشت که انواع زیادی از مدیریت در حوزه‌ی مدیریت توریسم وجود داشته است و گروه‌های زیادی درگیر این صنعت هستند. با توجه هدف‌های مشخص می‌توان از دیدگاه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی، اینکه چه نوع مسافر یا جهانگرد جذب منطقه خواهد شد مورد بررسی می‌شود به عنوان مثال مدیریت ارتباط با مشتری در توریسم، مدیریت در ترفیع فروش در توریسم، مدیریت مسایل مالی در صنعت توریسم، مدیریت در بازاریابی صنعت توریسم.

مدیریت آموزشی<sup>۲</sup>:

فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی براساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد.

توسعه‌ی منابع انسانی<sup>۳</sup>:

به آموزش و تواناسازی کارکنان و توسعه‌ی فعالیت‌های انسانی که روی ماهیت ارتباط بین سازمان و کارکنان آن یا منابع انسانی تأثیر می‌گذارد.

### امنیت و نقش آن در توسعه‌ی صنعت گردشگری

#### تعریف امنیت

مفهوم امنیت همچون بسیاری از مفاهیم دیگر، در طول تاریخ تغییر یافته و روندی رو به رشد داشته است. چنان‌که در دوران ماقبل از تاریخ، امنیت، تنها مربوط به حفظ بقا بود و بس. اما امروزه کارشناسان فن، مؤلفه‌های امنیت را در تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پی‌گیری می‌کنند. و حتی بیش از آن‌ها، می‌بینیم که عباراتی همچون «امنیت در رسانه»، «امنیت در فضای مجازی»، «امنیت داده‌ها»، «امنیت در گردشگری» و ... به وجود آمده است. به طور کلی، هنگامی که در جامعه‌ای بستر مناسبی فراهم است، به گونه‌ای که فعالیت‌های مختلف در ابعاد گوناگون، به طور عادی و بدون مشکلی خاص جریان پیدا کند، آن جامعه را امن فرض می‌کنیم.

#### امنیت در گردشگری

اصولاً تا امنیت برقرار نباشد، سفری شکل نخواهد گرفت و سخن گفتن از گردشگری، بیهوده خواهد بود. براساس آنچه قبلاً گفتیم، هرگاه در سطح جامعه‌ی جهانی بستر مناسبی فراهم باشد، افراد سفر می‌کنند به دنبال آن است که فعالیت‌های مربوط به گردشگری رونق می‌یابد. و اگر گردشگران نسبت به مقصدی احساس ناامنی داشته باشند، هرگز به آن‌جا سفر نمی‌کنند. امنیت و گردشگری، پارامترهای یک معادله می‌باشد که نسبتی مستقیم با هم دارد. در واقع همان‌طور که یکی از عوامل مهم توسعه گردشگری وجود امنیت است، رونق گردشگری در یک منطقه و تردد گردشگران، موجب به وجود آمدن امنیت می‌شود. البته نباید فراموش کرد که این قضیه همیشه هم صادق نیست، چرا که در برخی مواقع، وجود پدیده‌ی گردشگری و رفت و آمد گردشگران باعث ناامنی شده است. با این وجود، صنعت گردشگری و مقوله‌ی امنیت ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. در این مورد هم باید دانست و اعتقاد داشت که ملاک امنیت در گردشگری، احساس امنیت توسط گردشگران است. از طرفی این مسأله بسیار حائز اهمیت است که بدانیم امنیت را در چه مقوله‌هایی باید به وجود بیاوریم، مسأله‌ای که برای حل آن نیازمند شناخت تهدیدها هستیم. این موضوعات را در «امنیت در گردشگری مازندران» بررسی می‌کنیم.

**بررسی امنیت اجتماعی در گردشگری استان مازندران**

- کلیاتی درباره‌ی جایگاه مازندران در تاریخچه توسعه گردشگری منطقه‌ای ایران - گردشگری به ویژه در سواحل جنوبی دریای خزر، جایگاه ویژه‌ای دارد. امکان سریع دسترسی به تهران و همچنین برخورداری از منابع گردشگری مناسب و احداث تأسیسات اقامتی و پذیرایی درخور توجه، در مرحله‌ی اول مقبولیت فراوانی برای این استان به عنوان قطب گردشگری فراهم آورده است. رخدادها و روند توسعه بعدی که بیشتر بدون توجه به ظرفیت و کشش منابع گردشگری صورت گرفت، امروزه مازندران را با وجود داشتن جایگاه ویژه با چالش‌های جدی روبرو کرده است. تشدید روند خصوصی شدن سواحل از طریق تملک بخش خصوصی یا نهادهای دولتی، شبه دولتی و ایجاد محدودیت دسترسی عمومی به سواحل دریا که هنوز به عنوان انگیزه‌ی اصلی سفرهای توریستی به این استان است، نقش مهمی را ایفا می‌کند.

تغییر شدید کاربری اراضی از طریق فروش اراضی کشاورزی ناحیه‌ی جلگه‌ای با هدف شهرک‌سازی و ویلاسازی، به عنوان یک موج سوداگری زمین در ناحیه‌ی جلگه‌ای پس از اشباع ناحیه‌ی ساحلی از دیگر چالش‌های است. همچنین رواج سوداگری زمین در ناحیه کوهپایه‌ای و توسعه‌ی ساخت و سازهای خصوصی توریستی در دامنه‌ها و روستاهای واقع در ناحیه‌ی کوهپایه‌ای از دیگر چالش‌های گردشگری مازندران است. محدودیت کشش و ظرفیت جاده‌ی ساحلی و عبور آن از میان روستاها و شهرک‌هایی که فقط در امتداد جاده‌ی کناره توسعه پیدا کرده است، آلودگی عرصه‌های ساحلی و جلگه‌ای از طریق دفع و تخلیه زباله‌های خانگی، کارگاهی و صنعتی که مغایر با اصول حفظ منظر طبیعی در مناطق توریستی است، افزایش ضریب خطر و کاهش ایمنی در سواحل، به دلیل نبود یا کمبود امکانات نجات غریق در امتداد سواحل مناسب برای شنا از دیگر چالش‌ها است.

- حضور گردشگران و تبعات اجتماعی و امنیتی آن در استان:

**تضاد و تعارض فرهنگی**

به قول ردفیلد جامعه‌ی محلی و قومی که دارای تجانس بوده است و دانش و ارزش، اعتقاد و ایمان و عادات و رسوم یکسانی دارد در اثر ورود گردشگران و افراد غیر بومی دچار دگرگونی می‌شود که هنجارها و اخلاقیات، احساس تعلق‌ها و وحدت و انسجام

جامعه مبداء آسیب خواهد دید که مهمترین منابع تغییر اجتماعی، منازعات فرهنگی و نوآوری ایدئولوژی و... است (محمدی، ۱۳۸۷، نقل از ردفیلد، ۱۹۴۷).

بنابراین یکی از مسائل فرهنگی حضور مسافر تنوع فرهنگی و تضاد فرهنگی می‌باشد. به جهت اینکه گردشگران یا از روستاها و شهرهای کوچکتر هستند و یا از جمعیت سرریز شهرهای اصلی و مادر، با تنوع فرهنگی می‌باشند. خرده فرهنگ‌های متفاوتی که از سراسر کشور در این مجموعه ها ساکن می‌شوند، فرهنگ‌های بومی، محلی و منطقه‌ای خود را همراه دارند. به جهت وجود خرده فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت از سراسر کشور، سبب بروز تضادهای فرهنگی می‌گردد.

#### - نارسایی در نظارت اجتماعی

نواحی ساحلی شمال به خصوص نواحی گردش پذیر آن با محدود بودن و یا نابسامان بودن امکانات اقامتی و پذیرایی روبه رو است. مسأله‌ی مورد توجه این است که در اطراف سواحل دریای خزر متأسفانه فعالیت های متولیان خدمات گردشگری و همچنین فعالیتهای خودگردشگران بدون هیچ گونه پشتوانه‌ی قانونی صورت می‌گیرد. اجاره‌ها و قیمت اقامتگاه‌ها و سایر امکانات ارائه شده کمتر با متوسط درآمد گردشگران تناسب دارد و بیشتر مسافران کمبود وضعیت امکانات اولیه اقامتگاه‌ها و کمبود کمپینگ‌ها را عامل اصلی نارضایتی خود می‌دانند و به ناچار به خانه‌های اجاره‌ای بدون مجوز روی می‌آورند. این اقامتگاه‌ها به صورت شخصی و بدون هیچ مجوز قانونی در کنار خیابان‌ها با گرفتن پلاکارد در مسیر مسافران ایستاده و گردشگران را به این واحدهای غیرقانونی که بعضاً ممکن است خطرات امنیتی هم برای مسافران و هم برای صاحبان خانه‌ها داشته باشد، راهنمایی می‌کنند.

در حالی که علت اصلی استقبال، ارزانی این واحدها و نبود کنترل و نظارت است. در برخی از این نوع خانه‌ها در سواحل دریای خزر به دلیل نبود نظارت‌های کافی به محلی برای بروز انواع آسیب‌های اجتماعی و جرائم مختلف- برهم خوردن چهره خیابان‌های موجود در شهرهای ساحلی دریای خزر در اثر جمع شدن متکدیان خردسال و بزرگسال، بیشتر از سایر نقاط استان، مکانی امن و مناسب برای دختران فراری که از سایر استان‌ها به اطراف سواحل دریای خزر می‌آیند و از سوی بعضی‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرند،



مصرف و پخش مشروبات الکلی - تبدیل شده‌اند. گاهی اوقات در این خانه‌های اجاره‌ای اتفاقات وحشتناکی برای مسافران رخ می‌دهد که می‌توان به قتل، تجاوز به عنف و باندهای فساد اشاره نمود. بنابراین قانونمند نبودن، کلمه کلیدی و اساسی مشکل گردشگری سواحل دریای خزر می‌باشد و اینکه مراکز اقامتی فعالیتشان زیر نظر پلیس نیست.

#### اختلال در تحمل اجتماعی

ظرفیت تحمل<sup>۴</sup> به چهارنوع ظرفیت تحمل فیزیکی، اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم می‌گردد. مفهوم توسعه‌ی پایدار گردشگری نیز غالباً با اصطلاح ظرفیت تحمل همراه است. ظرفیت تحمل فیزیکی قبل از هرچیز به اندازه‌گیری کمی تعداد استفاده‌کنندگان و فضای مطلق در دسترس اشاره دارد و بیشتر یک مفهوم طراحی و معماری است مثل تعداد فضای موجود برای پارک اتومبیل.

در حالیکه ظرفیت تحمل اجتماعی یک مفهوم ادراکی و روانشناختی است. ظرفیت تحمل اجتماعی به تعدادی از توریست‌ها و سطحی از فعالیت‌های توریستی اطلاق می‌شود که فراتر از آن سطح شاهد افت کیفیت تجربه گردشگر می‌باشیم. به نظر پارتمور، حداکثر تعداد گردشگر و فعالیت‌های گردشگری را که یک سایت می‌تواند پذیرا باشد، قبل از آن‌که آخرین وارد شونده به آن مکان، آن را شلوغ احساس نماید و در جستجوی مقصد دیگری برای ارضای نیازهای خود برآید، تحمل اجتماعی گویند. متأسفانه الگوی متمرکز تقاضای گردشگری (از نظر نوع، زمان و مکان)، توأم با نبود برنامه‌ریزی مناسب برای توزیع مکانی بهینه گردشگران و مدیریت فضا، در شهرهای خاصی از استان مازندران به خصوص شهرهای سواحل دریای خزر باعث پیامدهای ناخواسته‌ای می‌گردد از قبیل: ازدحام بیش از حد جمعیت، تجاوز مغازه‌داران و دستفروشان به حریم پیاده‌روها و شلوغی معبر و پیاده‌روها در اطراف سواحل دریا، تشدید بی‌نظمی‌های ترافیکی و آمد و شد شهری، تشدید آلودگی‌های محیطی ناشی از عدم جمع‌آوری بهداشتی زباله و دفع ناقص فاضلاب شهری، عدم تناسب میان عرضه و تقاضا برای تأسیسات اقامتی در فصل تابستان، مشکل نظارت و کنترل کمیت و کیفیت خدمات اقامتی و پذیرایی، کمبود یا نبود فضاها و کاربری‌های مکمل متناسب با سطح تقاضا از قبیل پارکینگ عمومی، فضای سبز، مبلمان و

تجهیزات شهری، بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی و نهایتاً موجب کاهش مطلوبیت بصری و جنبه‌های زیباشناختی محیط شهری شهرهای اطراف سواحل دریای خزر شده است. بالاخره اینکه کاهش مطلوبیت مکانی که پیامد بارگذاری بیش از حد توان شهرهای ساحلی دریای خزر از گردشگران و متقاضیان استفاده از خدمات شنا در ماه‌های اوج تقاضا بخصوص در فصل تابستان و بویژه مرداد و شهریور ماه است. در درازمدت در تعارض با اهداف توسعه‌ی بخش گردشگری استان مازندران قرار خواهد گرفت. کاهش تقاضا برای فعالیت‌ها و عرصه‌های گردشگری یکی از تبعات الگوی نامناسب تقاضای گردشگری استان است.

#### **تأثیر مقایسه اجتماعی و رواج مدگرایی**

تفاوت بین سطح درآمد بومیان و گردشگران به بروز اثرات نمایشی<sup>۵</sup> منجر می‌گردد. تا جایی که بومیان تمایل دارند مثل گردشگران لوکس باشند. این مورد در مواقعی بیشتر بروز می‌یابد که بومیان پی‌ببرند که گردشگران سطح درآمدی بالاتری از آنها دارند (نظریه‌ی هماهنگی با جماعت جرج زیمل). آداب و رسوم گردشگری هم ممکن است بر بومیان اثر بگذارد به این صورت که اگر بومیان گردشگران را متفاوت از خود ببینند، ممکن است به تقلید از رفتار و کردار و آداب و رسوم آنان گرایش داشته باشند. البته نظریه‌ی مقایسه اجتماعی<sup>۶</sup> هم در این مورد کاملاً مصداق دارد. بدین صورت که وجود گردشگر در سواحل دریای خزر باعث تغییر الگوی مصرف زندگی از حالت ارزش‌هایی نظیر ساده زیستی و قناعت به عناصر ارزشی مادی و تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی با حالت مقایسه‌ی اجتماعی، انتظارات افراد بومی را بیشتر می‌نماید و وقتی که احساس می‌کنند خودشان آن را ندارند و یا امکان برخورداری از آن مزایا، برایش مقدور نیست، دو حالت پیش می‌آید: یا احساس محرومیت نسبی و بی‌عدالتی می‌نمایند و یا اینکه در صورتی که کنترل درونی و پایبندی به مذهب و تقوا در آنان تضعیف شده باشد نقطه آغاز برای گرایش به رفتارهای نابهنجار و غیرقانونی محسوب می‌گردد.

### رها کردن فعالیت‌های اقتصادی پایه

رها کردن کشاورزی و روی آوردن به گردشگری و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با گردشگری و مهاجرت از نواحی روستایی به قطب‌های گردشگری و سواحل دریای خزر (جا به جایی در اشتغال افراد بومی) مثل رانندگی ماشین، فروشگاه مواد غذایی و اجاره دادن منازل مسکونی و... بسیار شایع است. نسل جوان بومی به واسطه‌ی نوع رشد اجتماعی خود و نگاه جدید به مسائل به هیچ وجه مثل نسل قبل علاقه‌ای به ادامه‌ی کشاورزی در شمال ندارد و به توریسم و شغل‌های مرتبط با آن گرایش بیشتری می‌یابد.

### نبود تعادل در ساخت و ساز ابنیه و توسعه‌ی شهرهای ساحلی

متأسفانه در شهرهای ساحلی استان بجای ساخت مدرسه و بیمارستان برای مردم بومی، هتل، استخر شنا و رستوران به وفور ساخته شده است. به عبارت دیگر بجای سرمایه‌گذاری برای تأمین بهداشت، تعمیر بیمه درمانی، فراهم آوردن امکانات آموزشی یا سایر خدمات اجتماعی مورد نیاز مردم، سرمایه‌های ملی برای توسعه گردشگری کانالیزه شده است. در حالی که در یک استان در حال توسعه مانند استان مازندران، برنامه‌های آموزش، بهداشت و جنبه‌های رفاه اجتماعی مردم باید در اولویت قرار گیرد.

### اختلال در تحقق توسعه‌ی همبافته گردشگری

سه عامل عمده و اصلی در توسعه‌ی گردشگری عبارتند از: گردشگران، مردمان منطقه و مقصد. به عبارت دیگر میهمانان، میزبانان و جاذبه‌ها سه عنصر اصلی در توسعه گردشگری به شمار می‌آیند. میزان انطباق و همپوشی این سه جزء منطقه‌ای را بوجود می‌آورد که در آن توسعه همبافته<sup>۷</sup> تحقق پیدا می‌کنند. منظور از حوزه گردشگران کلیه‌ی کسانی است که به عنوان میهمان وارد مقصد می‌شوند. این حوزه در برگیرنده‌ی انتظارات و نیازهای گردشگران و فرهنگ و ارزش‌ها و خصوصیات شخصیتی و توانمندی‌های مالی و اقتصادی آنهاست. منظور از حوزه‌ی میزبانان کلیه‌ی افرادی است که در مقصد زندگی می‌کنند و گردشگران به آنان وارد می‌شوند. این حوزه نیز حاوی انتظارات و نیازهای مردمان منطقه در ارتباط با صنعت گردشگری و فرهنگ و ارزش‌ها و خصوصیات شخصیتی و اجتماعی آنان و وضعیت مالی و اقتصادی آنها می‌باشد. منظور از حوزه‌ی مقصد ویژگی‌های

تاریخی، فرهنگی، مذهبی، تفریحی، ورزشی، تحصیلی و سایر خصوصیات است که یک منطقه را از سایر مناطق متمایز می‌سازد. در این حوزه زیرساخت‌های لازم برای انجام فعالیت‌های گردشگری و قوانین و مقررات و اوضاع و احوال سیاسی منطقه نیز مشخص می‌شود. اما منطقه مشترک میان این سه حوزه که نوعی اشتراک و انطباق میان آن‌ها را نشان می‌دهد همان توسعه همبافته گردشگری است (با استفاده از خاصیت هم‌افزایی در نظریه‌ی سیستمها و نظریه‌ی آجیل پارسنز).

در این فصل مشترک نیازها و انتظارات و ارزش‌های گردشگران با ویژگی‌ها و جاذبه‌های مقصد و فرهنگ و گرایش‌های مردمان منطقه یکسانی و انطباق و همپوشی دارد. اما در بعضی از زمان‌ها و شرایط استراتژی‌های انفعالی توسعه صورت می‌گیرد که در این استراتژی هیچ تلاشی برای انطباق این سه حوزه صورت نمی‌گیرد و تعامل ارتباطی طبیعی میان این سه حوزه شکل می‌گیرد که گاهی تنش‌زا بوده است و در کل بر ضد توسعه گردشگری عمل می‌شود. تضادها و تعارضاتی که بین مردمان مناطق گردشگری و گردشگران رخ می‌دهد یا تخریب‌هایی که در جاذبه‌های گردشگری بوسیله‌ی گردشگران صورت می‌گیرد، نشان از عدم انطباق سه عنصر توسعه‌ی گردشگری است و در این چنین وضعیتی نباید انتظار توسعه پایدار گردشگری را داشت. در این شرایط است که ائتلاف منابع به حداکثر خود رسیده و بخش بسیار زیادی از منابع توسعه به هدر می‌رود. اما در این شرایط ایجاد تسهیلات فیزیکی مورد نیاز گردشگران، وسایل ارتباطی، امکانات اقامتی از زمره فعالیت‌های استراتژی اثرگذار می‌باشد.

#### وقوع بی‌سازمانی اجتماعی

نظام اجتماعی در اثر بی‌سازمانی اجتماعی تغییر کارکرد می‌یابد. در شرایط جذب گردشگر در سواحل دریا که گروه‌های جمعیتی (فرهنگی، بومی و...) متنوع می‌یابند و احساس بی‌سازمانی اجتماعی تقویت می‌شود. افراد و گروه‌ها کنترل اجتماعی غیررسمی بر رفتارشان احساس می‌کنند، کمتر در برابر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود را مسؤول می‌دانند و پذیرای آسیب‌های اجتماعی می‌شوند. (محسنی، ۱۳۸۶، بقل از محسنی، ۱۳۷۹). به این صورت که افراد در چنین مکان‌هایی خواهان آزادی بیشتری نسبت به دیگر مناطق هستند.

از نظر توریست، منطقه توریستی یک منطقه آزاد است. در نتیجه رفتاری متفاوت از حالت رسمی از خود به نمایش می‌گذارد. در صورتی که برای بومی آن مکان، محل زندگی اوست و باید به قوانین حاکم بر آن که از طرف مالک به رسمیت شناخته می‌شود احترام‌گذارد. دارند ورف درباره‌ی تضاد و تقسیم قدرت معتقد است که در صورتی که در تمام زمینه‌ها گروه یا گروه‌هایی تابع باشند، این مسأله، زمینه را برای بروز نارضایتی و مخالفت آماده می‌کند (ملکشاه، ۱۳۸۱، بتقل از روشه ۱۳۶۸).

### سایر چالش‌ها

از دیگر چالش‌های گردشگری استان می‌توان از کم‌توجهی به گردشگری فرهنگی و بیلابنی که هم ضایعات اجتماعی کمتری دارد و هم اینکه از انگیزه‌ی قوی در میان مردم برخوردار است، ضریب اشغال نسبتاً پایین، تأسیسات اقامتی و وابستگی شدید، فعالیت‌های گردشگری به فصل تابستان و رکود نسبتاً طولانی در فصول پاییز و زمستان یاد کرد. به رغم وجود این چالش‌ها استمرار مقبولیت این استان در میان بازار تقاضا درخور توجه است و اگر پاسخ مناسب به این تقاضا داده نشود ادامه‌ی روند توسعه به نوعی ناپایداری همراه با ناهنجاری‌های فضایی، اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود. همچنین افزایش تعداد گردشگران و درآمد، رشد اقتصادی و اشتغال و بحث ارزآوری بدون توجه به ملاحظات زیست محیطی زمینه‌ی آلودگی بیشتر و انهدام تدریجی منابع طبیعی منطقه و تخریب طبیعت (یکی از اثرهای منفی توسعه‌ی بدون مدیریت گردشگری تخریب منابع طبیعی (وندالیسم) و فضای سبز موجود در استان است. آلودگی آب و هوا، تخریب پوشش گیاهی و آلودگی آب‌های دریای خزر در اثر تعداد بی‌شمار ویلا، تأسیسات اقامتی و هتل در این منطقه) را به دنبال خواهد داشت. عصر بیداری و زیست محیطی جامعه‌ی کنونی از یک سو و مصرف سبز از سوی دیگر، بیانگر تغییرات معنادار در ارزش‌ها و باورهای صرفاً مصرفی بسوی نگرش محیط مدارانه است. اما متأسفانه بیشتر گردشگران و مسافران بعلت کمبود آموزش‌های عمومی در رسانه‌های گروهی و فقر و تأخر فرهنگی از موهبت خدادادی سواحل دریا تلقی ملی ندارند و فقط می‌خواهند از آن بهره ببرند بدون آنکه برای نگهداری آن مسؤولیتی احساس کنند. به این صورت که بعد از چند روز اقامت گردشگران

در سواحل دریا زباله‌های زیادی به دلیل نبود متولی در محیط رها شده می‌ماند. هدف برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران فرهنگی از بهترین وضعیت گردشگری به جوامع گوناگون، بیشینه نمودن تأثیرات مثبت و کمینه نمودن تأثیرات منفی متقابل جوامع بر یکدیگر است. در این نوع گردشگری جامعه میزبان و میهمان بیشترین تأثیرات مثبت را برای هم خواهند داشت و اثرات منفی در حداقل ممکن قرار دارد و ارتباط بین آنها نه تنها صدمه‌ای به جامعه نخواهد داشت بلکه فربه شدن فرهنگ و غنای آن منتهی می‌گردد.

### **بحث و نتیجه‌گیری**

بر اساس مطالعات فوق نتایج نهایی را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد اینکه توریست برای چه می‌آید سؤال است دو وجهی. یعنی هم باید ببینیم که انگیزه شخصی توریست از سفر چیست و هم باید بدانیم ما از توریست چه می‌خواهیم. جواب به این سؤال که شخص توریست به دنبال چیست؟ کار ساده‌ای نیست ولی به طور کلی می‌توان توافق کرد که توریست به دنبال کسب تجربیات جدید است. توریست می‌خواهد حواس پنجگانه‌اش احساسات تازه‌ای را از دنیا تجربه کنند. می‌خواهد مناظر جدیدی ببیند صداهای جدیدی بشنود بوهای تازه‌ای را به مشام برساند و مزه‌های دیگری را بچشد. در مورد سؤال بعدی (اینکه ما از توریست چه می‌خواهیم؟) به نظر می‌رسد نگاه ما به توریست نباید فقط یک نگاه صرفاً اقتصادی باشد. واقعیت این است که ما هم به دلیل مسائل اقتصادی و هم تبادلات فرهنگی و هم صدور مفاهیم اسلامی و انقلابی خود نیاز به توریسم داریم. البته نگاه به توریسم نباید یک بعدی باشد و فقط انتظار داشته باشیم که توریست بیاید بلکه توریسم یک جریان دو طرفه است جریانی مبادلاتی بین ما و جهان. و عنصر مهم درباره توریسم همین تبادل فرهنگی است. در مورد سؤال بعدی باید گفت پیامدهای حضور توریسم در یک منطقه نیز از دیدگاههای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و روانی قابل بررسی است که در این پژوهش توجه اصلی به پیامدها و تأثیرات حضور گردشگر در ابعاد روانی، اجتماعی و فرهنگی معطوف شده است. اما با توجه به اجرای طرح امنیت اجتماعی توسط ماموران نیروی انتظامی و ساماندهی آرازل و اوباش در سطح شهر و ایجاد سایه‌ی امنیت و آرامش بر سطح شهرها و معابر و راههای کشور به نظر می‌رسد که این

اقدامات کشور را در سایه‌ی امن و آرامی قرار داده است. یکی از مهمترین عواملی که باعث افول صنعت توریسم در هر کشور می‌شود، فقدان امنیت در آن کشور است. به عبارت دیگر با گسترش ناامنی در ابعاد جانی و مالی، میزان تمایل و رغبت جهانگردان، به صورت تصاعدی کاهش خواهد یافت. اما با توجه به آن‌چه که گفته شد پیرامون امنیت و نقش آن در توسعه‌ی صنعت گردشگری در بعد امنیت بین‌الملل و امنیت داخلی و شناسایی مشکلات و موانع آن راهکارهایی برای بهبود صنعت توریسم در ایران، برقراری و تضمین امنیت فراگیر، هم در بعد خارجی و هم در بعد داخلی و ملی آن است. به منظور تحقق این هدف باید پس از برقراری امنیت کامل با به کارگیری وسایل ارتباطی و رسانه‌های بین‌المللی، وجود امنیت کامل در کشور را به سمع و نظر عموم مردم و جهانگردان همه کشورهای جهان رساند تا تصویر نادرست فقدان امنیت در کشور، مانع از رشد و توسعه صنعت توریسم نشود.

### **پیشنهادهات**

بنابراین برای رشد و توسعه‌ی صنعت توریسم استفاده از پیشنهادهایی زیر می‌تواند برای بهبود وضعیت مثمرتر باشد.

- در بحث اطلاع‌رسانی دفترهایی توسط مسؤولان دولتی و محلی تحت نظارت سازمان ایرانگردی و جهانگردی دایر شود تا هرچه بهتر جاذبه‌های استان را به مردم معرفی کند. با توجه به اینکه هماهنگی بین سازمانها در امر جهانگردی از مهمترین عوامل رشد صنعت توریست است، لازم است نوع هماهنگی بین تمامی ارگانها با سازمان‌های ایرانگردی و جهانگردی برقرار شود، این تنها از طریق هماهنگی در سطح مدیران اجرایی تمام دستگاههایی که همگی در رشد این صنعت دخیل هستند، امکان پذیر می‌باشد. توسعه و ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم در مسیرهای توریستی و حل مشکلات حمل و نقل از طریق تأسیس بزرگراه‌ها و فرودگاه‌های جدید، همچنین استفاده از هواپیماهای جدید و پیشرفته و ایجاد پایانه‌های مجهز همراه با خودروهای پیشرفته همگی در رشد و توسعه‌ی این صنعت مؤثر است. همچنین لازم به ذکر است که مشکل اصلی جوامع امروزی و مخصوصاً استان مازندران عدم هماهنگی صحیح و مناسب بین ارگان‌هایی است که به نحوی در این امر

دخیل هستند. صنعت توریسم نیازمند یک هماهنگی و حمایت همه جانبه از سوی تمام ارگان‌هایی است که به نحوی در آن سهم هستند. بنابراین هماهنگی فقط از طریق مشارکت تمامی نهادها و ارگان‌ها میسر می‌شود.

- منطقه‌ی ساحلی دریای خزر ظرفیت محدودی دارد که برای حفاظت آن متأسفانه استان‌های حاشیه‌ی دریا بخصوص استان مازندران هیچ برنامه‌ای برای تعیین ظرفیت ندارد. برای این مناطق باید ظرفیت تعیین شود که شامل ظرفیت آبی، سالانه و... است و این معیار نشانگر آن است که این منطقه بیشتر از آن ظرفیت، نمی‌تواند گردشگر پذیرد و اثرهای حاصل از آن نیز قابل تعریف نیست.

- برای مدیریت اثرهای گردشگری در منطقه‌ی شمال کشور باید مطالعات میدانی انجام شود. و همچنین مردم محلی و گردشگران را نسبت به صنعت گردشگری و آثار حاصل از آن باید آگاه کرد.

- یکی از راه‌های دستیابی به توسعه‌ی پایدار بخش گردشگری در استان مازندران، بهره‌گیری هماهنگ و سنجیده از تمامی عرصه‌ها و جاذبه‌های گردشگری استان است. به این معنا که فعالیت‌های مرتبط با شنا در سواحل دریای خزر می‌بایستی در پیوندی ارگانیک و مکمل با دیگر فعالیت‌ها و مکان‌های گردشگری استان تعریف و سازماندهی گردد. به بیانی دیگر به جای دنباله‌روی صرف از الگوی تقاضای گردشگران می‌باید به نحوی به این تقاضا شکل و جهت داد که ضمن پاسخگویی به نیازهای میهمان، منافع درازمدت جامعه‌ی میزبان نیز لحاظ گردد.

- مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب و توسعه‌ی پایدار در گردشگری امر ضروری به نظر می‌رسد که در آن به حفظ محیط‌زیست دقت شود و منطقه‌های میزبان به تقویت و استحکام هویت فرهنگی بپردازند. در عین حال نیاز به نوعی گفتگوی متقابل فرهنگی و بین تمدنی متقابل شدیداً احساس می‌شود.

- تهیه‌ی اساسنامه‌هایی که بر صدور مجوز و روند کار اتاق‌های اجاره‌ای موجود در سواحل دریای خزر نظارت جدی کنند. و سازمان‌ها و دستگاه‌های مربوط به کاهش جرائم و تأمین امنیت گردشگران و شهروندان باید نظارت و کنترل جدی خود را در این مناطق گسترش دهند.



- یک اصل مهم دیگری که باید در گردشگری استان مازندران مدنظر قرار گیرد و برنامه‌ریزی شود، اصل تدریجی بودن آن است تا جامعه فرصت کافی برای انطباق با آن‌ها را داشته باشد، درباره‌ی آن بیاموزد و یاد بگیرد که چگونه در منافع آن شرکت کند.
- کشور ایران کشوری است با درصد امنیت و آرامش بالا و دارای حکومت و مردمانی صلح طلب. در این راستا و در جهت خنثی نمودن تبلیغات گسترده دشمنان می‌توان:
۱. با ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای و انجام تبلیغات کشور و موقعیت و جو حاکم بر کشور را به نحو احسن به سایر ملل معرفی کرد .
  ۲. ارایه‌ی راهکارهایی برای از بین بردن مشکلات دیپلماتیک جهانی.
  ۳. برگزاری نمایشگاه‌ها و همایش‌ها اختصاصی در سطح بین‌المللی جهت شناساندن ظرفیت‌های گردشگری کشور ایران و شرکت فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی خارج از کشور.
  ۴. تشویق مردم، سازمان‌ها و ایرانیان خارج از کشور به سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی گردشگری و حذف تمامی بی‌اطمینانی در این زمینه.
  ۵. استفاده از تجربیات دیگر کشورها به ویژه کشورهای موفق در حوزه‌ی گردشگری. در بخش امنیت داخلی :
    ۱. افزایش امنیت مرزی و داخلی.
    ۲. جلوگیری از وقوع حوادث و رخدادهای داخلی بر علیه گردشگران بین‌المللی.
    ۳. افزایش امنیت راه‌های ارتباطی و مواصلاتی.
    ۴. تربیت نیروی انسانی کارآمد و آشنا به زبان‌های بین‌المللی.
    ۵. تربیت پلیس راهنما.
    ۶. تسهیل در زمینه‌ی اخذ ویزا برای گردشگران خارجی
    ۷. برگزاری همایش‌ها و سمینارهای مختلف در جهت توسعه و ارتقای امنیت
    ۸. آشنایی راهنمایان تور با مسائل امنیتی
    ۹. برقراری امنیت در سایت‌های گردشگری بخصوص در زمینه‌ی تورهای طبیعت‌گردی و کویرنوردی
    ۱۰. شناسایی مسیر تردد اشرا و عدم برگزاری تورهای گردشگری در این مسیرها

۱۱. برخورد با موتورسواران که در نزدیکی بافت‌های تاریخی مزاحمت‌هایی برای گردشگران ایجاد می‌کنند.
۱۲. تأمین امنیت برای گردشگران در ساعت‌های خلوت و کم تردد در بافت‌های تاریخی
۱۳. برخورد جدی با افرادی که به شکل غیرمجاز به راهنمایی جهانگردان می‌پردازند .
۱۴. به همراه داشتن جی پی اس توسط راهنمایان تور در زمینه تورهای کویرنوردی
۱۵. هماهنگی و برقراری تعامل دو جانبه بین دفاتر مسافرتی و گردشگری یا راهنمایان تور و نیروی انتظامی در ارتباط با برگزاری تورهای گردشگری بخصوص تورهای ساحلی و طبیعت گردی .

#### زیرنویس‌ها

- |                      |                          |                                    |
|----------------------|--------------------------|------------------------------------|
| 1-Tourism management | 2-Educational management | 3- Human Force Development         |
| 4-Carrying Capacity  | 5-Demonstrations Effects | 6-The Theory of Social Comparisons |
| 7-integrated         |                          |                                    |

#### منابع

- ۱- آرمین، تورسم و امنیت ملی، سایت اینترنتی مسافران، ۱۳۸۴
- ۲- اعرابی، سیدمحمد، داوود ایزدی، مدیریت جهانگردی مبانی، راهبردها و آثار تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸
- ۳- الوانی، سیدمهدی و شاهرخ دهشتی، اصول مبانی جهانگردی، تهران، معاونت اقتصادی و برنامه ریزی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب، ۱۳۷۲.
- ۴- الوانی، سید مهدی سازماندهی جهانگردی با نگرش نظام گرا، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات سیاحتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۵- الوانی، سیدمهدی، مدیریت عمومی، ج ۵، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.
- ۶- پاریسیان، علی و سیدمحمد اعرابی جهانگردی در چشم انداز جامع، ج ۱۳۷۲، ۲
- ۷- تاجیک، محمدرضا، مقدمه ای بر استراتژی امنیت ملی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۸- جمعه پور، محمود، مطالعات جهانگردی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۲، ۱۳۸۲
- ۹- حسینی، سیدحسن، دنیای تجارت گردشگری، شماره ۶، ۱۳۸۷
- ۱۰- حسینی، سیدحسن، ساماندهی گردشگری استان مازندران، با تاکید بر احداث دهکده‌های توریستی در سواحل جنوبی دریای خزر، پایان ارشد، ۱۳۸۵.
- ۱۱- رضوی، میندوخت و جمشیدی نیا، مزگان، طرح جامع مطالعات توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مازندران، ۱۳۷۴.
- ۱۲- شکویی، حسین، جغرافیای جهانگردی، ۱۳۵۴.
- ۱۳- ضراغم، حمید، مجموعه مقالات سمینار بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی جهانگردی در جمهوری اسلامی ایران، دانشکده‌ی حسابداری و مدیریت و معاونت پژوهش دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲.
- ۱۴- غفاری، هادی، ماهنامه سیاسی اقتصادی ش ۱۸۶-۱۸۵، ۱۳۸۱
- ۱۵- معدن کن، ایراندوخت، نقش ورزش در جلوگیری از انحرافات اخلاقی جوانان. مدیریت فرهنگی و هنری تربیت بدنی سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸
- ۱۶- مهدوی، مسعود، «که مازندران شهر ما یاد باد»، مجله ایران زمین، ش ۲- تیرماه ۱۳۷۱.
- ۱۷- معصومی، مسعود، ماهیت گردشگری، انتشارات پیک کونور ۱۳۸۵
- ۱۸- ملکشا، میثم، بررسی وضعیت توریسم در استان مازندران، مجموعه مقالات همایش بررسی مسائل اجتماعی استان مازندران، دانشگاه مازندران و استانداری مازندران، ۱۳۸۸.
- ۱۹- معصومی، مسعود، ماهیت گردشگری، انتشارات پیک کونور، ۱۳۸۵.
- ۱۹- نوفرستی، محمد، آمار در اقتصاد و بازرگانی. تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی زسا، ج ۵، ۱۳۷۶.